

## عرفان و عبادت در سیره پیامبر اعظم ﷺ

محمدرضا جباری \*

چکیده

عرفان و عبادت از مهم‌ترین محورهای بحث در سیره نبوی ﷺ است. عبادت، فرع و مترتب بر معرفت است، و از همین روی، پیامبر اعظم ﷺ تحت تربیت الهی مسیر کسب معرفت را چنان طی کرد که آماده پذیرش رسالت عظیم الهی شد. درجات بالای معرفتی آن حضرت، حالتی فرین با ذکر و احسان حضور داریم در پیشگاه حق به او بخشیده بود. این حالت به صورت خشوع و خداترسی و خوف حقیقی از سخط الهی در عبادات آن حضرت متجلی می‌شد. جلوه‌های عبادت در سیره پیامبر اعظم ﷺ در نماز و ذکر، تهجد و نوافل، روزه، اعتکاف و حج رخ نموده است. نماز ایشان، که آن را نور چشم خود می‌خواند، همراه بود با اوج توجه و حضور دل حضرت رسول ﷺ بر تهجد و نوافل نیز اهتمام خاصی داشتند. همچنین عبادات سنگین و طولانی همراه با فراهم سازی لوازم و مقدمات آن از قبل، و نیز آداب خاصی چون تقسیم نماز بر ساعات شب، بیداری پس از ثلث یا نصف شب و قرائت قرآن و مناجات در گزارش‌های مربوط به سیره عبادی آن حضرت به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: عرفان، عبادت، سیره عبادی، سیره نبوی ﷺ، نماز، نافله، تهجد، حج، اعتکاف و روزه.

\* دکتری علوم قرآن و حدیث.

### سیره عبادی

سیره عبادی<sup>۱</sup> پیامبر عظیم الشان اسلام از مهم‌ترین محورهای مطرح در سیره نبوی ﷺ است؛ چرا که می‌توان عبادت و عرفان را غایت حرکت انسان - به ویژه پیامبر اکرم ﷺ - در سیر معنوی دانست. اهمیت بعد عرفان و عبادت، مربوط به ارتباط این دو امر با هدف نهایی و متعالی خلقت انسان‌هاست. به حکم گفته الهی در آیه نورانی «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۲</sup> هدف از خلقت بخش تکلیف‌مدار هستی، یعنی انسان و جن، عبادت است، و عبادت نیز بدون معرفت ارزشی ندارد و عبادت مورد نظر این آیه نیز عبادتی قرین و ملازم با معرفت است؛ بدین معنا که هر درجه از عبودیت، درجه‌ای از معرفت را می‌طلبد، و با هر عبادت عارفانه، درجه‌ای برتر از معرفت به دست می‌آید. این روند رو به کمال و رشد، تا بالاترین مراحل امکان معرفت ادامه می‌یابد، و به این ترتیب، مفهوم سخن برخی مفسران که «لیعبدون» را در آیه یاد شده «لیعرفون» معنا کرده‌اند،<sup>۳</sup> روشن می‌شود.

با آنچه گفته آمد روشن شد که معرفت و بصیرت از نظر رتبه مقدم بر عبادت و عبودیت است، و عبادت بی معرفت و شناخت را ارجی نتوان نهاد؛ زیرا تا عبد شناختی - هرچند اندک - به آنچه می‌پرستند نیابد، عبادتش جز کاری لغو، بی‌مبنا، بی‌هدف یا تقلیدی صرف نیست، و عبادی که این چنین‌اند همواره در روایات ملامت شده‌اند و درجه عبادتشان بر اساس درجه عقل و معرفتشان محک خورده است.<sup>۴</sup>

عبادت نبوی ﷺ عبادتی بود همراه با بالاترین درجات معرفت به معبود هستی؛ و این سیر معرفتی با زمینه‌های تربیت نبوی ﷺ از دوران کودکی ایشان توسط برترین ملک الهی ادامه یافت،<sup>۵</sup> و سرانجام با اتصال نبی اکرم ﷺ به منبع وحی الهی

۱. گفتنی است در پژوهش حاضر به عبادت بدنی پیامبر اکرم ﷺ پرداخته‌ایم و عبادات مالی نیازمند پژوهشی دیگر است.

۲. ذاریات (۵۱)، ۵۶.

۳. محمدباقر حسینی، الرواشح السماویة، ص ۲۲؛ ملاحادی سبزواری، شرح الاسماء الحسنی، ج ۱، ص ۱۸۹.

۴. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴، باب من عمل بغير علم.

۵. ولقد قرّن الله من لدن أن كان فطيماً أعظم ملك من ملائكته يسلك به طريق المكارم و محاسن اخلاق العالم ليله و نهاره (نهج البلاغه، خطبة ۱۹۲).

پس از رسالت به اوج رسید. پس از مرتبه معرفت، نوبت به ذکر و حضور دل می‌رسد و نیز توجه دایم به منبع عظیم هستی؛ و با این توجه و حضور دل، اعضاء و جوارح نیز در مراتب بعدی همراه شده، عبادات جارح‌های قرین عبادات جانحه‌ای می‌گردند. بدین ترتیب شایسته است که مباحث این نوشتار در سه بخش معرفت و بصیرت نبوی ﷺ، ذکر دایم و خدامحوری، و بالأخره عبادت نبوی ﷺ طرح شود.

### ۱. معرفت و بصیرت

(۸۵)

پیامبر اکرم ﷺ خود، معرفت را سرمایه اصلی خویش معرفی می‌فرمود،<sup>۱</sup> و چنان‌که گذشت، خداوند متعال مسیری رو به کمال را برای فزونی معرفت آن حضرت ترسیم کرده بود. رخداد بعثت برای آن حضرت، همراه بود با پیدایش درجه والایی از معرفت در باب هستی؛ به گونه‌ای که با کنار رفتن پرده‌ها از مقابل دیدگان حقیقت‌بین آن حضرت، حقایق هستی برای روح متعالی ایشان منکشف و متجلی شد. بنابر روایتی از امام صادق ﷺ، هنگامی که از آن حضرت پرسیدند پیامبران چگونه به رسالت خویش پی می‌برند؟ فرمود: «پرده از مقابل دیدگان‌شان کنار می‌رود».<sup>۲</sup> در روایتی دیگر نیز آن حضرت در پاسخ زراره که پرسید: چگونه رسول الله ﷺ خوف نداشت که آنچه بر او نازل می‌شد، از نزغات و القائنات شیطان باشد، فرمود: «خداوند هنگامی که بنده‌ای را به منزله رسول خویش بر می‌گزیند آن چنان آرامش و اطمینان درونی‌ای بر او نازل می‌کند که دریافت‌هایش از جانب خدا همچون چیزهایی است که به چشم می‌بیند».<sup>۳</sup>

۱. عن علی بن ابی طالب قال: سألت رسول الله ﷺ عن سنته، فقال: المعرفة رأس المال... (ابوالفضل عیاض یحسبی، الشفا بتعريف حقوق المصطفى ﷺ، ج ۱، ص ۱۴۶).

۲. ... عن محمد بن سنان عن ذكره عن ابي عبد الله ﷺ ... قلت: كيف علمت الرسل انها رسل؟ قال: كشف عنها الغطاء... (محمد بن خالد برقي، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۰۵ و ج ۱۱، ص ۵۶).

۳. عن زراره، قال: قلت لأبي عبد الله ﷺ: كيف لم يخف رسول الله ﷺ في ما يأتيه من قبل الله ان يكون ذلك مما ينزغ به الشيطان؟ قال: فقال: ان الله إذا اتخذ عبدا رسولا أنزل عليه السكينة والوقار فكان الذي يأتيه من قبل الله مثل الذي يراه بعينه (محمد بن مسعود عیاشی، تفسير العیاشی، ج ۲، ص ۲۰۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۶۲).

بدین لحاظ معرفت و بصیرت و بینشی که لازمه شروع نبوت و رسالت است به اقتضای حکمت الهی در بدو امر نبوت برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاصل شده بود؛ اما عرصه‌های معرفتی در باب ذات مقدس الهی و آیات او همواره برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گشوده بود و آهنگی رو به کمال داشت. رخداد «اسراء» و «معراج» را می‌توان حرکتی در این راه دانست؛ چرا که به تصریح آیه نخست سوره اسراء، این امر برای ارائه آیات الهی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رخ داد: «منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی، که پیرامون آن را برکت داده‌ایم، سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم، که وی همان شنوای بیناست»<sup>۱</sup> و معراج، بنا بر برخی روایات، در مراحل و دفعات متعددی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رخ داد و روشن است که در هر نوبت، معرفتی بر معرفت پیشین افزوده می‌شد.<sup>۲</sup>

حرکت رو به کمال معرفتی در آن حضرت، روح ایشان را به چنان درجه‌ای از شهود و یقین رسانید که پرده‌های عالم غیب از برابر دیدگان درون بین آن حضرت کنار رفت و آنچه را نادیدنی بود می‌دید. بنا بر روایتی که ابوذر، صحابی برجسته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نقل کرده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید و چیزی می‌شنوم که شما نمی‌شنوید. آسمان [از کثرت ملائک] به سنگینی گراییده و سزاوار است چنین باشد؛ چرا که در آن به قدر موضع چهار انگشت نیز نیست جز آنکه فرشته‌ای پیشانی‌اش را در حال سجده قرار داده است. به خدا قسم اگر می‌دانستید آنچه را می‌دانم، اندک می‌خندیدید و بسیار می‌گریستید، و در بسترها از همسران متلذذ نمی‌شدید و به ارتفاعات رفته، به پیشگاه الهی استغاثه می‌کردید».<sup>۳</sup>

۱. سُحْرَانَ الَّذِي أُسْرِيَ بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (اسراء، ۱).

۲. عن صباح المزني عن أبي عبد الله قال: عرج بالنبي صلی الله علیه و آله مائة وعشرين مرة، ما من مرة الا وقد اوصى الله النبي صلی الله علیه و آله بولاية علي عليه السلام و الأئمة من بعده، مما اوصاه بالفرائض (محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۹۹؛ محمد بن علي ابن بابويه قمي، الخصال، ص ۶۱).

۳. عن أبي ذر قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إني أرى ما لا ترون و أسمع ما لا تسمعون أظت السماء و حق لها أن تنط ما فيها موضع أربع أصابع الا عليه ملك ساجد، لو علمتم ما أعلم لضحكتم قليلاً و لبيكتم كثيراً و لا تلتذذتم بالنساء علي

نمود دیگری از شهود حقایق هستی در پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ اخبار غیبی پرشماری است که از آن حضرت می‌رسید. از این دست می‌توان پیشگویی حضرت درباره تعداد، اسامی و محل قتل کشتگان مشرکان در بدر،<sup>۱</sup> و نیز سخن گفتن حضرت با این کشتگان پس از مرگ آنان و ریخته شدن اجسادشان در یک چاه در منطقه بدر اشاره کرد؛<sup>۲</sup> و هنگامی که عمر به این عمل اعتراض کرد و پرسید که چگونه پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ با اجساد بی‌روح سخن می‌گوید، حضرت پاسخ دادند: «شما شنواتر از آنان نیستید! جز آنکه آنان توان پاسخگویی ندارند».<sup>۳</sup>

## ۲. مقام خوف و حضور

درجات والای معرفت، در پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ حالتی قرین با ذکر و احساس حضور دائم در پیشگاه حضرت حق پدید آورده بود. این حالت به گونه‌های مختلف در آن حضرت نمود می‌یافت. تذکرها و هشدارها به اصحاب درباره حضرت حق و نیز تحذیرها از مرگ و قیامت، همراه با انقلاب روحی که در چهره آن حضرت به صورت تغییر رنگ چهره‌شان ظاهر می‌شد، و همچنین اذکار لسانی و عبادات طاقت فرسای جسمانی از نمونه‌های این تجلی است.

### ۲-۱. خشوع و خداترسی

خداوند مظهر تمام زیبایی‌ها و مهربانی‌هاست؛ اما عظمت او از سویی، و نگرانی انسان از توان انجام وظایفش در برابر حق تعالی از سوی دیگر، در انسان‌های پاک و برجسته‌ای همچون پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ روحیه‌ای پدید می‌آورد که از آن می‌توان به

الف الفرشات و لخرتم الی الصدقات تجارون الی الله. قال: فقال ابوذر: والله لوددت انی شجرة تعضد (احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۱۷۳؛ احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۵۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۹۹ - ۲۰۰).

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۵ - ۱۶۶؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۴، ص ۲۹ و ج ۳، ص ۱۴۵.

خدا ترسی تعبیر کرد. خدا ترسی چنان که ناشی از معرفت درست و والا به حضرت حق است، خود نیز معرفتی برتر در پی می آورد. این ویژگی در موعظه آن حضرت به فضل بن عباس - در آن زمان که سن کمی داشت - چنین انعکاس یافته: «ای جوان، از خدا بترس تا او را در برابر خود بیایی؛ ای جوان، از خدا بترس که تو را از غیر خود بی نیاز سازد...»<sup>۱</sup>

خدا ترسی پیامبر اکرم (ص) نه حالتی تحمیلی بر روح آن حضرت، بلکه نزد وی از محبوب ترین حالات بود؛ چرا که زیباترین حال برای عبد، هنگامی است که توجه به عظمت و جلال مولای خویش کرده، به تبع این توجه، حالت اعظام و خشوع به او دست می دهد. بنابر روایتی از امام صادق (ع)، هیچ چیزی نزد پیامبر اکرم (ص) محبوب تر از آن نبود که در حال گرسنگی و خوف الهی به سر برد.<sup>۲</sup>

این حالت بیش از هر زمان، به هنگام نماز در آن حضرت تجلی می یافت، و روشن است که نماز، عرصه برترین و عمیق ترین توجهات به حضرت حق است. امیرالمؤمنین (ع)، حالت خشوع پیامبر اکرم (ص) را به هنگام نماز (خطاب به فردی یهودی، و در قیاس با گریه داوود (ع)) چنین توصیف کرده است: «هنگامی که پیامبر اکرم (ص) به نماز می ایستاد، از شدت گریه، از درون سینه حضرت صدایی همچون صدای جوشیدن غذا در درون دیگ به گوش می رسید، و این در حالی بود که خداوند او را از عقابش ایمن ساخته بود، و او می خواست با گریه اش خشوعش را در برابر پروردگارش اظهار کند تا برای پیروانش امام [واسوه] باشد».<sup>۳</sup>

۱. یا غلام خف الله تجده أمامک، یا غلام خف الله یکفیک ما سواه... (محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۶۷۵؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۹ و ج ۷۴، ص ۱۳۶).
۲. عن طلحة بن زید عن ابي عبدالله (ع) قال: ما اعجب رسول الله (ص) شیء من الدنيا الا ان یکون فیها جائعاً خائفاً (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۹، ح ۷) و عن هشام بن سالم و غیره عن ابي عبدالله (ع) قال: ما کان شیء أحب الی رسول الله (ص) من أن یظنّ جائعاً خائفاً فی الله (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۹ ح ۹۹).
۳. و محمد (ص) کان اذا قام الی الصلاة شمع لصدرة وجوفه أذیر کأذیر البوجل علی الأثافي من شدة البكاء و قد آمنه الله عزّ و جلّ من عقابه، فاراد أن یتخّشع لرتبه ببکائه و یکون إماماً لمن اقتدی به... (احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۲۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۰ و ج ۱۷، ص ۲۵۷ و ۲۸۷ و ج ۱۸، ص ۳۱۱).

## ۲-۲. خوف از عذاب الهی

جلوه‌ای دیگر از مقام خوف نبوی ﷺ، ترس حقیقی ایشان از عذاب و سخط و غضب حضرت حق است؛ و این برخاسته از عمق و وسعت معرفت نبوی ﷺ به حقایق هستی، و از جمله دوزخ و عذاب الهی بود. یکی از مهم‌ترین راه‌های معرفت نبوی ﷺ تعالیم الهی به واسطه فرشته عظیم‌القدرش، یعنی جبرائیل امین بود. بنابر روایتی، روزی جبرئیل در زمانی نامعمول، و به هنگام زوال آفتاب با رنگی پریده، سرزده نزد پیامبر ﷺ آمد. چون پیامبر اکرم ﷺ سبب را جویا شد، پاسخ داد: «در هنگامی [نزد شما] آمدم که خداوند امر فرمود به آتش دوزخ بدمند و چنین شد». در این لحظه پیامبر اکرم ﷺ درباره وصف آتش دوزخ از جبرئیل پرسید، و او نیز با جملاتی عظمت عذاب الهی را برای حضرت توصیف کرد؛ به گونه‌ای که هر دو به شدت به گریه آمدند، و آنان می‌گریستند تا اینکه خداوند از طریق فرشته‌ای به آنان پیغام داد: «ای جبرائیل و ای محمد، خداوند شما را از غضبان و عذابش ایمن ساخته است». معرفت نبوی ﷺ به حقیقت عذاب الهی چنان یقینی در دل حضرت پدید آورده بود که هنگام سخن گفتن از قیامت، صدایش بلند و چهره‌اش سرخ می‌شد و می‌فرمود: «قیامت همراه شما صبح می‌کند و روز را به شب می‌آورد» و برای بیان میزان نزدیکی قیامت، با نزدیک کردن دو انگشت به یکدیگر می‌فرمود: «بعثت من و وقوع قیامت همچون این دو انگشت‌اند».<sup>۲</sup>

و سرانجام، نگاه حقیقت‌بین پیامبر ﷺ به قیامت و عرصات آن، و از جمله

(۸۹)

در بیان و عبادت و تسبیح و تهنیت پیامبر اکرم ﷺ «صلی اللہ علیہ و آلہ

۶۷، ص ۳۸۱ و ج ۸۱، ص ۲۴۸؛ و به طریقی دیگر در منابع غیر شیعی همچون مسند احمد، ج ۴، ص

۲۵؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن النسائی، ج ۳، ص ۱۳).

۱. علی بن موسی حسینی، الدرر الوقایه، ص ۲۷۲؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۰۵ و ج ۶۷، ص ۳۹۳.

۲. عن ابی عبد اللہ علیہ السلام عن ابیہ علیہ السلام عن جابر بن عبد اللہ: «أن رسول اللہ ﷺ قال فی خطبته: إن أحسن الحدیث کتاب اللہ، و خیر الهدی ہدی محمد، و شر الامور محدثاتها، و کل محدثۃ بدعۃ، و کل بدعۃ ضلالۃ، و کان اذا خطب قال فی خطبته: اما بعد، فاذا ذکر الساعۃ اشدّ صوته و احموت و جنتاه ثم یقول: صَبَحْتُمْ الساعۃ او مَسْتُمْ، ثم یقول: بعثت أنا و الساعۃ کھذہ من ہذہ - و یشیر باصبعیہ (محمد بن محمد مفید، الامالی، ص ۲۱۱؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۳۳۷؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰۱ و ج ۱۶، ص ۲۵۶ و ج ۷۴، ص ۱۲۲؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۱۱؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن النسائی، ج ۳، ص ۴۵۰ و ج ۱، ص ۵۵۰.



عذاب موعود، آثار پیری را در وجود آن بزرگوار ظاهر ساخت. ایشان خود در این باره می‌فرمود: «سوره هود و نظایر آن همچون واقعه، قارعه، حاقه، اذا الشمس كورت، و سئل سائل مرا پیر کرد؛ [به دلیل] ذکر روز قیامت و سرگذشت امت‌ها».<sup>۱</sup>

### ۳. جلوه‌های عبادت

معرفت و بصیرت نبوی ﷺ به حضرت حق، از سویی احساس حضور و ذکر داریم، و از سوی دیگر، تجلی گونه‌های مختلف عبادات جسمانی را در پی داشت. عبادات پیامبر اکرم ﷺ که در قالب نماز و روزه و حج و اعتکاف و دعا و قرائت قرآن و ذکر و استغفار و تهجد و... نمود می‌یافت، شایسته تأمل و درس‌آموزی است؛ چنان‌که حالات آن حضرت به وقت عبادت، همچون گریه، توجه خاص و تغییر رنگ چهره نیز شایسته توجه و تبعیت است.

#### ۳-۱. نماز و ذکر

در میان گونه‌های عبادت‌های نبوی ﷺ هیچ یک با نماز برابری نمی‌کنند. نماز محبوب‌ترین عبادت پیامبر اکرم ﷺ و نور چشمان ایشان بود.<sup>۲</sup> آن حضرت در این باره به ابوذر فرمود: «ای اباذر، خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داده و آن را آن چنان محبوب من ساخته که غذا را برای گرسنه و آب را برای تشنه؛ [جز آنکه] گرسنه با خوردن غذا، و تشنه با نوشیدن آب سیر و سیراب می‌شوند اما من از نماز سیر نمی‌شوم».<sup>۳</sup>

۱. شیبثی سوره هود و اخواتها: الواقعة و القارعة و الحاقه و اذا الشمس كورت و سئل سائل؛ شیبثی هی و اخواتها؛ ذکر يوم القيامة و قصص الأمم (محمد بن عیسی ترمذی، الشمائل المحمدیه، ص ۵۷؛ علی بن عمر الدار قطنی، العلیل الواردة فی الاحادیث النبویه، ج ۲، ص ۲۰۹، جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۸۲؛ علی المتقی بن حسام الدین الهندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۵۷۳ و ج ۲، ص ۳۱۳).  
 ۲. عن عمر بن یزید عن ابی عبدالله علیاً قال: قال رسول الله ﷺ: جعل قوة عینی فی الصلاة ولذتی فی النساء و ریحانتی الحسین و الحسین (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۹ و در منابع غیر شیعی به نقل از برخی اصحاب از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که فرمود: جعلت قرة عینی فی الصلاة؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۰، ص ۴۲۰؛ احمد بن علی بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۶۷ و ج ۱۴، ص ۱۹۴).  
 ۳. یا اباذر، ان الله تعالی جعل قرة عینی فی الصلاة و حبیبها الیّ کما حبیب الیّ الجائع الطعم و الی الظمان



نیز، هنگام فرا رسیدن وقت نماز به مؤذن خویش، بلال، می فرمود: «ای بلال، [وقت] نماز است، راحتان کن.»<sup>۱</sup> (یعنی با اذان خویش ما را به عرصه مناجات و گفت‌وگو با محبوب وارد ساز). آن حضرت جز اهتمام عملی بر نماز، با تأکیدهای کلامی نیز دیگران را به نماز فرا می خواند، و پیش از همه، اهل بیت خویش را بدان تشویق می کرد. بنابه نقل امیرالمؤمنین علیه السلام، پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم هر روز صبح به اهل بیت عصمت می فرمود: «[هنگام] نماز است؛ خداوند شما را بیامرزد؛ و سپس آیه تطهیر را تلاوت می فرمود.»<sup>۲</sup>

عشق و علاقه نبوی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم به نماز، در چگونگی به جای آوردن نماز و مقدمات آن نیز نمود داشت. آن حضرت رعایت کامل آداب وضو و نیکو گزاردن نماز را موجب نیل به حقیقت ایمان و گشوده شدن درهای بهشت معرفی می فرمود،<sup>۳</sup> و کمال نماز را در اقامه درست و کامل رکوع و سجود می دانست.<sup>۴</sup>

برای کسی همچون پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم هیچ چیز همچون ذکر الهی محبوب و مطلوب

الماء، فان الجائع اذا أكل الطعام شبع، و اذا شرب الماء روي، و انا لا اشبع من الصلاة (محمد بن محمد مفيد، الامالي، ص ۵۲۸).

۱. عن عبدالله بن محمد بن الحنيفة قال: انطلقت مع أبي الى صهر لنا من أسلم من اصحاب النبي صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فسمعته يقول: سمعت رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم يقول: ارحنا بها يا بلال الصلوة (سليمان بن احمد طبراني، المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۲۷؛ و رك: احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۳۶۴؛ علي بن عمر الدار القطنی، علل الدار قطنی، ج ۴، ص ۱۲۱؛ احمد بن علي بغدادی، تاريخ بغداد، ج ۱۰، ص ۴۴۲؛ زين الدين علي عاملی، رسائل الشهيد الثاني، ص ۱۲۰؛ حسين بن عبدالصمد عاملی، العقد الحسيني، ص ۴۲؛ محمد بن حسين عاملی، الحبل المتين، ص ۱۵۴؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۶).

۲. عن ابي اسحاق عن الحارث عن علي عليه السلام قال: كان رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم يأتينا كل غداة فيقول: الصلاة رحمكم الله الصلاة، انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا (محمد بن محمد مفيد، الامالي، ص ۳۱۸؛ محمد بن حسن طوسي، الامالي، ص ۸۹؛ عبدالله بن احمد حسكاني، شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۴۹۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۰۸. بنابر روايت انس بن مالك اين كار تا شش ماه، و بنا به روايت ابن عباس تا هفت ماه، و بنابر روايتي كه بنهاني و ديگران نقل كرده اند تا هشت ماه طول كشيد. در اين باره، رك: عبدالحسين شرف الدين، الفصول المهمة، ص ۲۰۹).

۳. عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: من أسبغ وضوءه و أحسن صلوته و أذى زكاة ماله و ملك غضبه و سجن لسانه و بذل معروفه و أذى النصيحة لأهل بيته، فقد استكمل حقائق الايمان، و أبواب الجنة مفتحة له (احمد بن محمد اشعري، كتاب النوادر، ص ۹۱).

۴. عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: لا ايمان لمن لا امانة له، و لا دين لمن لا عهد له، و لا صلاة لمن لا يقيم (يتم) ركوعها و لا سجودها (همان).

نبود. پیامبر اکرم ﷺ خود را همواره در محضر پروردگارش می‌دید و این احساس حضور دایم به هیچ وجه به یک عبد اجازه نمی‌دهد که در برهه‌های مختلف زندگی به کسی جز او بسیندیشد. بنا بر توصیف امیرالمؤمنین علیه السلام از حالات مختلف پیامبر صلی الله علیه و آله، آن حضرت همواره چه به وقت جلوس و چه هنگام قیام، خدا را یاد می‌کرد. <sup>۱</sup> همچنین در وصف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته‌اند که ایشان بسیار ذکر الهی داشت و از لغو پرهیز کرده، نماز را طول می‌داد. <sup>۲</sup>

بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام هنگامی که از جانب خداوند، سرزمین مکه، مملو از طلا، بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه شد، ایشان عرض کرد: خداوند! من [ترجیح می‌دهم] روزی سیر و روز دیگر گرسنه باشم، و هنگام سیری حمد و شکر تو گویم، و هنگام گرسنگی تو را بخوانم و ذکر تو گویم. <sup>۳</sup>

بنا بر روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هر روز ۳۶۰ بار حمد و ثنای الهی را بر زبان جاری کرده، می‌گفت: «حمد بسیار گویم خدای عالمیان را در هر حال»، <sup>۴</sup> و بنا بر نقلی دیگر، آن حضرت در هر صبح و شام به این تعداد حمد الهی می‌گفت. <sup>۵</sup> لحظات بین الطلوعین نیز برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از بهترین زمان‌های ذکر الهی بود، و امیر مؤمنان علیه السلام در این لحظات از جانب ایشان مأمور می‌شد

۱. کان صلی الله علیه و آله لا یجلس ولا یقوم الا علی ذکر الله... (محمد بن علی ابن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸۴؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۴؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۲؛ محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۴؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۱۵۸).
۲. عن یحیی بن عقیل قال: سمعت عبدالله بن ابی وامی یقول: کان رسول الله صلی الله علیه و آله یكثر الذکر و یقل اللغو و یطیل الصلوة... (احمد بن شعیب نسائی، سنن النسائی، ج ۱، ص ۵۳۱).
۳. عن عبدالرحمن الانصاری عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: عرضت علی بطحاء مکه ذهباً، فقلت: یا رب لا، ولكن أشبع يوماً و أجوع يوماً، فاذا شبعت حمدتک و شکرتک، و إذا جعت دعوتک و ذکرتک (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۳۱، ج ۱۰۲؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۶۹۳؛ و به طریقی دیگر در: احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۲۵۴؛ محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶).
۴. عن ابی الحسن الانباری عن ابی عبدالله علیه السلام قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله یحمد الله فی کل یوم ثلاثاً مائة مرة و ستین مرة عدد عروق الجسد، یقول: الحمد لله رب العالمین کثیراً علی کل حال (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۰۳، ج ۳؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۳۰۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۷ و ج ۵۸، ص ۳۱۶ و ج ۸۴، ص ۱۱).
۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۰۳، ج ۴.

تا روبه مردم نشسته، پاسخگوی آنان باشد، و پیامبر اکرم ﷺ خود روبه قبله ذکر می‌گفت.<sup>۱</sup>

افزون بر حالات عادی، آن حضرت هنگام نماز، خود را خوشبو می‌ساخت. ایشان مشکدانی داشت که پس از وضو، با دستان مرطوب آن را در دست می‌گرفت، و هنگامی که برای نماز [جماعت] خارج می‌شد مردم از بوی خوش آن متوجه حضور پیامبر ﷺ می‌شدند.<sup>۲</sup>

ایشان به محض فرارسیدن وقت نماز، برای اقامه نماز،<sup>۳</sup> به جماعت،<sup>۴</sup> و آن هم در مسجد آماده می‌شدند. آن حضرت، آبادسازی مساجد را از نشانه‌های مروّت می‌دانست<sup>۵</sup> و روشن است که اقامه جماعت و نماز در مسجد از بهترین مصادیق آبادسازی و عمران مساجد به شمار می‌آید.

حضرت رسول ﷺ به مستحبات و نیز ترک مکروهات نماز نیز اهتمام داشت. محض نمونه، هنگام نماز عصای مخصوص خویش را در برابر خود می‌نهاد تا میان

(۹۳)

۱. سید ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنه، ج ۲، ص ۳۸.

۲. عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله عليه السلام قال: كانت لرسول الله ﷺ ممسكة إذا هو ترضاً أخذها بيده وهي رطبة، فكان إذا فرغ عرفوا انه رسول الله ﷺ. برائحه (محمد بن يعقوب كلبی، الكافي، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۰؛ محمد بن حسن الحر العاملي، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۷۸).

۳. پیش از این به سخن حضرت به وقت نماز خطاب به بلال اشاره شد که می‌فرمود: أرحنا يا بلال. در نقل طبری از ابن اسحاق نیز درباره دوره حضور حضرت در مکه آمده است: «إن رسول الله كان إذا حضرت الصلاة خرج إلى شعاب مكة و خرج معه علي بن ابي طالب عليه السلام... (محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۸).

۴. روایات متعددی حکایت از آن دارند که پیامبر اکرم ﷺ به نماز جماعت در حضر یا سفر اهتمام داشت و حتی در روزهای اول دعوت که جز امیرالمؤمنین علی و خدیجه علیا کسی ایمان نیاورده بود، آن حضرت در کنار کعبه به همراهی آن دو، نماز جماعت اقامه می‌کرد. در این باره، ر.ک: روایت عقیف کندی در: احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۲۰۹؛ محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۷؛ محمد بن سلیمان کوفی، مناقب امیرالمؤمنین علی، ج ۱، ص ۲۶۱؛ احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی، ص ۵۹.

۵. عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام: قال رسول الله ﷺ: ستة من المسرة ثلاثة منها نسي الحضر وثلاثة منها في السفر فاما التي في الحضر فتلاوة كتاب الله عز وجل و عمارة مساجد الله و اتخاذ الاخوان في الله، و اما التي في السفر فبذل الزاد و حسن الخلق و المزاح في غير المعاصي (محمد بن علی ابن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۳۰، ح ۱۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۵ و ج ۷۳، ص ۳۱۱ و ج ۸۱، ص ۸۹ و ج ۸۹، ص ۱۹۶).

وی و کسانی که از برایش عبور می‌کنند، حایل باشد.<sup>۱</sup> گاه نیز برای این منظور از چیزهای دیگری استفاده می‌کرد.<sup>۲</sup>

نمازهای عاشقانه آن حضرت، چون برخاسته از جذبات ربانی و محبتی از جنس وکله و شیدایی بود، احساس خستگی و اکراه در ایشان، راه نداشت، و بدین سبب، نمازهایش - جز آنجا که به خاطر رعایت حال اضعف‌المؤمنین کوتاه می‌خواند -<sup>۳</sup> طول می‌کشید.<sup>۴</sup> البته وضعیت نمازهای جماعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکسان نبود و به اعتبار میزان تحمل مأمومان، کوتاه‌تر یا طولانی‌تر می‌شد.<sup>۵</sup> خود آن حضرت در این باره می‌فرمود: «گاهی قصد دارم نماز را طولانی سازم، اما چون صدای گریه کودکانی را می‌شنوم به دلیل میزان اشتیاق مادر به کودک (پس از گریه او) نماز را کوتاه می‌کنم».<sup>۶</sup>

نمازهای آن حضرت همواره با سوز و گداز و گریه شدید ناشی از خوف و خشوع و خشیت الهی آمیخته بود. پیش از این، توصیفی از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حال پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام نماز گذشت.<sup>۷</sup>

۱. عن معاوية بن وهب عن ابي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله يجعل العنزة بين يديه اذا صلى (محمد بن يعقوب كليني، کافی، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۱).
۲. ر.ک: الکافی، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۲؛ محمد بن حسن طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۳.
۳. عن ابي واقد الليثي صاحب النبي صلی الله علیه و آله قال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله كان اخف الناس صلاة على الناس و ادمه على نفسه صلی الله علیه و آله (احمد بن حنبل، مستند احمد، ج ۵، ص ۲۱۹؛ احمد بن علي الموصلي، مستند ابي يعلى، ج ۳، ص ۳۵)؛ و عن انس: «ان النبي صلی الله علیه و آله كان اخف الناس صلاة في تمام» (احمد بن شعيب نسائي، سنن النسائي، ج ۲، ص ۹۵؛ حسن بن فضل طبرسي، مكارم الاخلاق، ص ۲۳ و ۲۴؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۸) و عن ابي حكي المؤذن: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله كان اخف الناس صلاة للناس و اطول الناس صلاة لنفسه» (سليمان بن احمد طبراني، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۲۵۱).
۴. عن عبد الله بن ابي اوفى قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله يكثر الذكر و يقل اللغو و يطيل الصلاة و يقصر الخطبة و لا يأنف أن يمشی مع الأرملة و المسكين فيقضي له الحاجة (احمد بن شعيب نسائي، سنن النسائي، ج ۳، ص ۱۱۰؛ احمد بن علي بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۵).
۵. ر.ک: محمد بن اسماعيل بخاری، شرح صحيح مسلم، النووي، ج ۴، ص ۱۷۴.
۶. عن انس بن مالك قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اني لأدخل في الصلاة و اني أريد إطالتها، فأسمع بكاء الصبي فأتجوّز في صلاتي مما أعلم لوجد أمه بكائه» (محمد بن اسماعيل بخاری، صحيح البخاری، ج ۱، ص ۱۷۴؛ مسلم بن حجاج نيسابوري، صحيح مسلم، ج ۲، ص ۴۴؛ محمد بن يزيد قزويني، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۱۶).
۷. احمد بن علي طبرسي، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۲۶؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۰ و ج ۱۷، ص ۲۵۷ و ۲۸۷ و ج ۶۷، ص ۳۸۱ و ج ۸۱، ص ۲۴۸.

نماز محبوب‌ترین عبادات برای پیامبر اکرم ﷺ بود؛ اما در نمازهای شبانه‌روزی پیامبر اکرم ﷺ، خلوت‌گزینی در دل شب و تهجد جذبه و لذت دیگری برای ایشان داشت. خداوند قیام در شب را بر پیامبر اکرم ﷺ واجب ساخته بود. در سوره مزمل، خداوند به حضرت می‌فرماید: «ای جامه به خویشتن فروپيچیده، شب را به پا خیز مگر اندکی، نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه، یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان».<sup>۱</sup> چنان که در سوره اسراء نیز همین فرمان به آن حضرت ابلاغ شده است: «و پاسی از شب را زنده بدار، تا برای تو [به منزله] نافله‌ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند».<sup>۲</sup>

نزول این آیات که براساس آنها بیداری در پاسی از شب بر پیامبر اکرم ﷺ واجب شد، موجب آن گشت که آن حضرت و جمعی از اصحاب خاص ایشان پاسی از شب را به عبادت برخیزند، تا آنجا که گاه برای اطمینان یافتن از اینکه نصف یا کمی بیش از نصف شب را بیدار مانده‌اند، تمام شب را به عبادت بر می‌خاستند. پیامبر اکرم ﷺ در عمل به این فرمان آن قدر اهتمام داشت که قدم‌های مبارکش متورم می‌شد،<sup>۳</sup> و برای تخفیف درد، گاه یک پا را از زمین بلند می‌کرد و پای دیگر بر زمین می‌نهاد،<sup>۴</sup> و از همین روی، آیات

۱. يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ \* قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا \* نَضْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَوْتِيلًا (مزمل، ۱ - ۴).

۲. وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَخْمُودًا (اسراء، ۷۹).

۳. عن عمرو بن عبدالله بن هند عن ابي جعفر عليه السلام قال: قال علي بن الحسين عليه السلام: ان جدی رسول الله ۶ قد غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر، فلم يدع الاجتهاد له و تعبد بأبی هو و أمی حتی انتفخ الساق، و ورم القدم، و قيل له: أتفعل هذا و قد غفر الله لك ما تقدم من ذنبيك و ما تأخر؟ قال: أفلا أكون عبداً شكوراً؟ (محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۶۳۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۸ و ج ۴۶، ص ۷۹؛ و مشابه مضمون فوق در روایت مغیره بن شعبه در السمائل المحمدية، ص ۲۲۱ - ۲۲۲ و صحيح البخاری، ج ۶، ص ۴۴).

۴. عن ابي بصير عن ابي جعفر عليه السلام قال: كان رسول الله عند عايشة ليلتها، فقالت: يا رسول الله لم تتعب نفسك و قد غفر الله لك ما تقدم من ذنبيك و ما تأخر؟ فقال: يا عايشة أفلا أكون عبداً شكوراً؟ قال: و كان رسول الله

نخستین سوره طه بر ایشان نازل شد تا تکلف و مشقت را در عبادت از آن حضرت بردارد.<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به یک یهودی که می‌کوشید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در مقایسه با پیامبران پیشین در مقامی پایین‌تر قرار دهد، بر تلاش‌های مدام پیامبر صلی الله علیه و آله در عبادات شبانه تأکید فرمود.<sup>۲</sup> این مداومت چنان بود که حضور در صحنه‌های بحرانی‌ای همچون جنگ بدر نیز آن حضرت را از توجه شبانه به عالم بالا باز نمی‌داشت و بلکه اهتمام حضرت را بیشتر می‌ساخت؛ بنا به نقل امیرالمؤمنین علیه السلام در شب بدر، در حالی که اصحاب هر یک به نوبه خود استراحت کردند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا صبح زیر درختی مشغول نماز و دعا بود.<sup>۳</sup>

#### ب) عبادات سنگین و طولانی

درباره سنگینی عبادات شبانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گزارش‌های شگفت‌انگیزی در دست است. محض نمونه، حدیقه بن یمان در روایتی می‌گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از نمازهای شبانه‌اش، سوره‌های بقره، نساء و آل عمران را در حال قیام تلاوت کرد و هرگاه به آیه تسبیح می‌رسید، خداوند را تسبیح می‌گفت، و هنگامی که به آیه مشتمل

صلی الله علیه و آله یقوم علی اطراف أصابع رجليه فأنزل الله سبحانه: طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى (الكافی، ج ۲، ص ۹۵؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۳).

۱. عن عبدالله بن بكير قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الصلاة قاعداً أو يتوكأ على عصي، أو على حائط، فقال: لا، ما شأن ابيك وشأن هذا؟ ما بلغ أبوك هذا بعد؛ إن رسول الله صلی الله علیه و آله بعد ما عظم - أو بعد ما ثقل - كان يصلّي وهو قائم، ورفع إحدى رجليه حتى أنزل الله تبارك و تعالی: طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى، فوضعها (عبدالله بن جعفر حمیری بغدادی، قرب الاسناد، ص ۱۷۱).

۲. قال له اليهودی: فان هذا داوود عليه السلام بكى على خطيئته حتى سارت الجبال معه لخوفه. قال له علي عليه السلام: لقد كان كذلك و محمد صلی الله علیه و آله أعطى ما هو أفضل من هذا... ولقد قام صلی الله علیه و آله عشر سنين على اطراف أصابعه حتى توڑمت قدماه و اصفر وجهه يقوم الليل اجمع حتى عوتب في ذلك فقال الله عز و جل: طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى، بل لتسعد به، و لقد كان يبيكي حتى يغشى عليه... (احمد بن علي طبرسي، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۲۶؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۰ و ج ۱۷، ص ۲۵۷، ۲۸۷ و ج ۶۸، ص ۲۶).

۳. عن حارث بن مضرب قال: سمعت علي بن ابي طالب عليه السلام يقول: لقد حضرنا بدرا و ما فينا فارس غير المقداد بن الأسود، و لقد رأيتنا ليلة بدر و ما فينا الامن نام، غير رسول الله صلی الله علیه و آله فان كان منتصباً في اصل شجرة يصلّي و يدعو حتى الصباح (محمد بن محمد مفيد، الارشاد، ج ۱، ص ۷۳؛ بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۷۹).



بر سؤال می‌رسید، سؤال می‌کرد، و وقتی به آیه تعوذ می‌رسید، به خدا پناه می‌برد، سپس رکوع کرده، در رکوع سبحان ربی العظیم و بحمده را تکرار می‌کرد، در حدی که رکوعش نیز همچون قیامش طولانی شد؛ سپس برخاست و گفت: سمع الله لمن حمده، و قیامی طولانی کرد، و سپس به سجده رفت و گفت: سبحان ربی الاعلی و بحمده، و سجودش نیز همچون قیامش طولانی بود.<sup>۱</sup> قیام پیامبر اکرم ﷺ برای عبادت شبانه به قدری طولانی بود که گاه برخی از همراهان، طاقت از کف داده، توان همراهی با آن حضرت را از دست می‌دادند. به جز روایت یاد شده از حدیقه، روایت عبدالله بن مسعود نیز شاهدهی دیگر بر این مدعاست.<sup>۲</sup>

در کنار این عبادات سنگین، پیامبر اکرم ﷺ برای تحمل پذیر کردن سنگینی عبادات تدابیری به کار می‌برد. برای مثال، در برخی روایات آمده است که آن حضرت شب‌ها پس از برخاستن، نوافل خود را ابتدا با دو رکعت نافله سبک آغاز می‌کرد و سپس به نوافل سنگین‌تر می‌پرداخت؛<sup>۳</sup> و نوافل شبانه آن حضرت، ترکیبی از نوافل سنگین و سبک بود.<sup>۴</sup> یا به هنگام خستگی، گاه

۱. عن حدیفة قال: «صلیت مع النبی ﷺ ذات لیلۃ فافتتح البقرة فقلت یرکع عندالمائة ثم مضی فقلت یصلی بها فی رکعة فمضی فقلت یرکع بها ثم افتتح النساء فقرأها ثم افتتح آل عمران فقرأها یقرء مترسلاً إذا مرّ بأیة فیها تسبیح سبح و إذا مرّ بسؤال سأل و إذا مرّ بتعوذ تعوذ ثم رکع فجعل یقول: سبحان ربی العظیم فكان رکوعه نحواً من قیامه ثم قال سمع الله لمن حمده ثم قال طویلاً قریباً مما رکع ثم سجد فقال سبحان ربی الاعلی فكان سجوده قریباً من قیامه» (مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۶؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن نسائی، ج ۱، ص ۴۲۳؛ محمد بن عیسی ترمذی، الشمائل المحمدیة، ص ۲۲۹؛ احمد بن حسین بیهقی، سنن بیهقی، ج ۲، ص ۳۰۹).

۲. عن ابی وائل عن عبدالله بن مسعود، قال: «صلیت مع النبی ﷺ لیلۃ فلم یزل قائماً حتی هممت بأمر سوء. قلنا: و ما هممت؟ قال: هممت أن أقعد و أذر النبی ﷺ» (محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۴۵؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۶؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۸۵ و ۳۹۶ و ۴۱۵ و ۴۴۰).

۳. عن ابی هریره عن النبی ﷺ قال: إذا قام أحدکم من اللیل فلیفتتح صلاته برکعتین خفیفتین (احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۳۹۹؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۴؛ احمد بن حسین بیهقی، سنن بیهقی، ج ۳، ص ۶؛ محمد بن عیسی ترمذی، الشمائل المحمدیة، ص ۲۲۶)؛ عن سعد بن هشام عن عائشة قالت: «کان رسول الله ﷺ إذا قام من اللیل یصلی افتتح صلاته برکعتین خفیفتین» (مسند احمد، ج ۶، ص ۳۰).

۴. عن زید بن خالد الجهنی انه قال: «لارمقن صلاة رسول الله ﷺ فتوسدت عتبه أو فسطاظه، فصلی





است که در برخی روایات بدان اشارت رفته است.<sup>۱</sup> نیز پرهیز از بستر کاملاً نرم که با خوابیدن در آن رغبت به خواب بیشتر می شود و ترک بستر مشکل می گردد، از دیگر نکات قابل استفاده از سیره نبوی صلی الله علیه و آله است. بنا بر روایت امیرالمؤمنین علیه السلام فرش پیامبر صلی الله علیه و آله عبايي بیش نبود و جای خواب آن حضرت، پوستی بود که درون آن از الیاف خرما پر شده بود. شبی رختخواب آن حضرت را دو لا انداختند تا نرم تر شود؛ صبح آن شب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جای خوابم شب گذشته مرا از نماز [در حد مطلوب] باز داشت؛ و به این ترتیب، جای خواب آن حضرت به صورت اول بازگشت.<sup>۲</sup>

روایت معاویه بن وهب نیز از قول امام صادق علیه السلام می گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شبها پیش از خواب، مقدمات تهجد، مانند آب وضو و مسواک را کنار محل خواب خود می نهاد و پس از برخاستن، ابتدا نظر به آسمان می کرد و آیات آخر سوره آل عمران را تلاوت می فرمود؛ سپس مسواک می زد و در پی آن وضو ساخته، به نماز می ایستاد.<sup>۳</sup> در روایت حلبی از امام صادق علیه السلام نیز همین نکته مطرح شده است.<sup>۴</sup>

۱. عن عائشه: «... كان صلی الله علیه و آله ينام اول الليل و يحيى آخره...» (مسند احمد، ج ۶، ص ۱۰۲ و ۱۰۹ و ۱۷۶؛

صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۶۷؛ الشرائع المحمدية، ص ۲۲۳).

۲. عن علي علیه السلام: كان فراش رسول الله صلی الله علیه و آله عباءة و كانت مرفقة آدم، حشوها ليف، فنثبت له ذات ليلة، فلما اصبح قال: لقد منعتي الفراش الليلة الصلاة فأمر صلی الله علیه و آله أن يجعل بطاق واحد (محمد بن علي ابن بابويه قمی، الامالی، ص ۵۵۲؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۷). از آنجا که نماز شب بر آن حضرت واجب بود، نمی توان روایت را بر اطلاق آن حمل کرد؛ چرا که لازمه آن ترک واجب از سوی آن حضرت است که با عصمت ایشان سازگار نیست. بنا بر این بایستی روایت را حمل بر این معنا کرد که تغییر چگونگی بستر، آن حضرت را از نماز شب در حد مطلوب ایشان - همچون شب های دیگر - باز داشته است.

۳. عن معاوية بن وهب قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: و ذكر صلاة النبي صلی الله علیه و آله قال: كان يؤتى بظهور فينخمر عند رأسه و يوضع سواكه تحت فراشه ثم ينام ماشاء الله فاذا استيقظ جلس ثم قلب بصره في السماء ثم تلا الآيات من آل عمران (ان في خلق السماوات والارض و اختلاف الليل والنهار...) ثم يستن و يتطهر ثم يقوم الى المسجد فركع اربع ركعات على قدر قرائته ركوعه، و سجوده على قدر ركوعه، يركع حتى يقال حتى يرفع رأسه و يسجد حتى يقال حتى يرفع رأسه، ثم يعود الى فراشه فينام ما شاء الله، ثم يستيقظ فيجلس فيتلو الآيات من آل عمران و يقلب بصره في السماء ثم يستن و يتطهر و يقوم الى المسجد فيصلی اربع ركعات كما ركع قبل ذلك، ثم يعود الى فراشه فينام ما شاء الله، ثم يستيقظ فيجلس فيتلو الآيات من آل عمران و يقلب بصره في السماء ثم يستن و يتطهر و يقوم الى المسجد فيوتر و يصلی الركعتين ثم يخرج الى الصلاة (محمد بن حسن طوسی، تهذيب الاحكام، ج ۲، ص ۳۳۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۷۶ و ج ۸۴، ص ۱۱۶).

۴. عن الحلبي عن ابي عبد الله علیه السلام قال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله كان اذا صلى العشاء الآخرة أمر بوضوئه و سواكه يوضع



متفاوت بوده و برخی شب‌ها پس از ثلث و برخی شب‌ها پس از نصف بر می‌خاسته‌اند؛ چنان‌که از آیات سوره مزمل نیز همین امر بر می‌آید.<sup>۱</sup>

گفتنی است بنابر پاره‌ای روایات، برترین اوقات برای اقامه نوافل شب، بخش انتهایی شب است؛<sup>۲</sup> اما - همان‌گونه که برخی محققان می‌گویند -<sup>۳</sup> این برای کسی است که بخواهد تمام رکعات نافله شب را با هم اقامه کند، و در این صورت مناسب است به جای ابتدا یا نیمه شب، انتهای آن را بیدار شود؛<sup>۴</sup> ولی در صورتی که فرد بخواهد رکعات را در طول شب به جای آورد، بهتر است به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأسی کرده، پس از ثلث یا نصف شب برخیزد و در سه نوبت، نوافل شب را اقامه کند؛ چنان‌که در روایت حلبی نیز امام صادق علیه السلام دیگران را در این سیره، به تأسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فراخوانده است.

#### و) نظر به آسمان و قرائت آیات آخر سوره آل عمران

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از بیداری در هر نوبت، بعد از آنکه به آسمان نظر می‌کردند، آیات آخر سوره آل عمران (۱۹۰ تا ۱۹۴) را تلاوت می‌فرمودند که با «ان فی خلق السماوات و الارض...» آغاز می‌شود و تا پنج آیه پس از آن ادامه می‌یابد و به «انک لا تخلف الميعاد» ختم می‌شود.<sup>۵</sup>

#### ز) شمار رکعات نافله شب

بنابر دو روایت یاد شده، پیامبر صلی الله علیه و آله نوافل شب را در دو نوبت چهار رکعتی و سه

۱. یا أَيُّهَا الْمَرْءُ كَلِّ \* قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا \* نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ (المزمل، ۱ - ۳). ممکن است تغییر زمان برخاستن بین نصف و ثلث ناشی از کوتاهی و بلندی شب‌ها در تابستان و زمستان بوده باشد.
۲. ر.ک: محمد بن علی ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۳ و ۴۸۲؛ محمد بن علی ابن بابویه قمی، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۸؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۳۰.
۳. ر.ک: محمد باقر سبزواری، ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۲۰۰.
۴. عن ابن بکیر قال: قال ابو عبد الله صلی الله علیه و آله: ما کان یحمد الرجل أن یقوم من آخر اللیل فیصلی صلاته ضریة واحدة ثم ینام و ینهب (الکافی، ج ۳، ص ۴۴۷).
۵. هر چند در دو روایت یاد شده، شمار آیات از اواخر آل عمران مشخص نیست، در روایتی از امام باقر علیه السلام توصیه به قرائت پنج آیه ۱۹۰ تا ۱۹۴ شده است. در برخی از منابع غیر شیعی نیز به نقل از ابن عباس، ده آیه آخر از سوره آل عمران تعیین شده است (الشمائل المحمدیه، ص ۲۲۵).

رکعت (شفع و وتر) و سپس دو رکعت نافله صبح به جای می آورده‌اند. بنابراین شمار رکعات نافله شب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یازده رکعت و به همراه دو رکعت نافله صبح، سیزده رکعت بوده است. جز دو روایت یاد شده، روایات دیگری از معصومان علیهم السلام در دست است که در آنها شمار نوافل شب پیامبر صلی الله علیه و آله یازده رکعت معین شده است.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، با توجه به تقدم کلام معصومان علیهم السلام بر کلام دیگران - هم به لحاظ عصمت آنان و هم آگاه تر بودن اهل یک خانه به آنچه در آن می گذرد - نباید به اختلافات دیگران درباره شمار رکعات نافله شب پیامبر صلی الله علیه و آله اعتنایی داشت.<sup>۲</sup>

### ۳-۳. قرائت قرآن و مناجات

به جز نوافل شبانه، قرائت قرآن و دعا و مناجات از دیگر برنامه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - به ویژه در دل شب - بود. قرائت قرآن، در حین ادای نمازهای واجب و نافله و در غیر حال نماز صورت می گرفت. اهتمام آن حضرت به قرائت قرآن - به ویژه در دل شب - به قدری بود که حتی حالت بیماری و تب نیز مانع آن نمی شد. بنا بر روایتی، هنگامی که یکی از اصحاب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را سخت بیمار دید و جزوای حال حضرت شد، آن حضرت پاسخ داد: «این بیماری مانع آن نشد که شب گذشته سی سوره را که سبع طوال نیز جزو آنها بود، قرائت کنم» و هنگامی که آن صحابی عرض کرد: این تلاش در عبادت برای چیست، در حالی که

۱. عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله يصلي من الليل ثلاث عشرة ركعة، منها الوتر وركعتا الفجر في السفر والحضر (الكافي، ج ۳، ص ۴۴۶، ح ۱۴)؛... عن الحارث بن المغيرة النضري قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ... وكان رسول الله صلی الله علیه و آله يصلي ثلاث عشرة ركعة من الليل (همان، ح ۱۵)؛... عن احمد بن محمد بن ابي نصر قال: قلت لابي الحسن عليه السلام: «ان اصحابنا يختلفون في صلاة التطوع، بعضهم يصلي اربعا واربعين، وبعضهم يصلي خمسين. فقال: أصلي واحدة وخمسين ركعة... وثمان صلاة الليل والوتر ثلاثا وركعتي الفجر... (همان، ج ۳، ص ۴۴۴، ح ۸).

۲. عن مسروق قال: سألت عائشة عن صلاة رسول الله صلی الله علیه و آله بالليل فقالت: «سبع و تسع واحدي عشرة سوى ركعتي الفجر» (صحيح البخاري، ج ۲، ص ۴۵)؛ قال ابو عيسى: «و اكثر ما روى عن النبي صلی الله علیه و آله في صلاة الليل ثلاث عشرة ركعة مع الوتر، و اقل ما وصف من صلاته من الليل تسع ركعات» (سنن الترمذی، ج ۱، ص ۲۷۶)؛ عن ام سلمة: «كان النبي صلی الله علیه و آله يوتر بثلاث عشرة، فلما كبر وضعف أوتر بسبع» (همان، ص ۲۸۵)؛ و قد روى عن النبي صلی الله علیه و آله الوتر بثلاث عشرة واحدي عشرة وتسع و سبع و خمس و ثلاث و واحدة (همان).

خداوند گناهان پیشین و پسین شما را آمرزیده است، حضرت پاسخ داد: «آیا نباید بنده شکرگزاری باشم؟»<sup>۱</sup>

درباره چگونگی دعا و مناجات پیامبر اکرم ﷺ نیز نکات شگرفی به چشم می خورد. برای مثال، در روایتی از امام صادق علیه السلام گزارشی از یکی از دعاها شبانه پیامبر اکرم ﷺ در دست است. بنابراین روایت، یک شب، هنگامی که پیامبر ﷺ در حجره ام سلمه بود و نیمه شب از بستر برخاست، ام سلمه از سرکنجکاوی به جست و جو برآمد و حضرت را در گوشه ای از خانه در حالی یافت که ایستاده و با چشمان گریان این گونه باخدایش سخن می گوید:

اللهم لا تنزع مني صالح ما اعطينني أبدا، اللهم ولا تكلني الى نفسي طرفة عين أبدا، اللهم لا تشمت بي عدو أو لا حاسدا أبدا، اللهم لا تردني في سوء استنقذتني منه أبدا.<sup>۲</sup>

۳- ۴. روزه

جلوه دیگری از سیره عبادی پیامبر اکرم ﷺ، که بسیار بدان اهتمام می ورزید روزه داری بود. آن حضرت در بیان شدت علاقه اش به روزه، آن را همچون نماز، نور چشم خویش معرفی فرمود.<sup>۳</sup> این عبادت به قدری نزد آن حضرت محبوب بود که دست کم سه روز از هر ماه را روزه می گرفتند. بنابر پاره ای روایات، برترین روزهای ماه برای ادای این سنت،

۱. عن بكر بن عبدالله [المزني البصري]: «أن عمر بن الخطاب دخل على النبي ﷺ وهو مرقود أو قال محموم، فقال له عمر: يا رسول الله ما أشد وعكك أو حماك؟ قال: ما منعتي ذلك ان قرأت الليلة ثلاثين سورة فيهن السبع الطوال. فقال عمر: يا رسول الله، غفر الله لك ما تقدم من ذنبك و ما تأخر، و انت تجهد هذا الاجتهاد؟ فقال: يا عمر، أفلا أكون عبداً شكوراً؟» (محمد بن حسن طوسي، الامالي، ص ۴۰۳ - ۴۰۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۲ و ج ۸۹، ص ۱۹۸؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۸۴۴).

۲. «خداوند، آنچه از خیر و نیکی به من عطا کردی هرگز باز مستان؛ خداوند، مرا به قدر چشم بر هم زدن به خود وامگذار؛ خداوند، هرگز مرا مورد شماتت دشمن و حسود قرار مده؛ خداوند، هرگز مرا به بدی و شری که از آن نجاتم داده ای باز مگردان» (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۵؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۷ و ج ۹۲، ص ۳۵۸).

۳. و كان ﷺ يقول: جعل الله لذتي في النساء والطيب، و جعل قرة عيني في الصلاة والصوم (طبرسي، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، ص ۳۴؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹).



پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط هر ماه است، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام بر روزه در این سه روز تأکید داشتند.<sup>۱</sup> در برخی روایات نیز از ایام البیض نام برده شده است.<sup>۲</sup> اما از روایات معصومان علیهم السلام و نیز گزارش‌های غیر شیعی چنین بر می‌آید که روزه سه روز در ماه در سیره نبوی صلی الله علیه و آله منحصر به روزهای یاد شده نبوده است. در برخی روایات از دوشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه سخن به میان آمده است. در روایت ابوبصیر، امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش وی در این باره، ضمن اشاره به دو مورد پیش‌گفته، در نهایت او را در انتخاب هر روز از ماه مخیر داشته‌اند.<sup>۳</sup> در برخی روایات غیر شیعی از پنجشنبه اول هر ماه و دو دوشنبه پس از آن،<sup>۴</sup> و نیز از دوشنبه و پنجشنبه در یک هفته و دوشنبه دیگر در هفته بعد،<sup>۵</sup> و نیز سه روز اول هر ماه و روزهای جمعه<sup>۶</sup> سخن رفته است. وجه جمع روایات یاد شده آن است که برترین روزها در ماه، پنجشنبه اول و آخر، و چهارشنبه وسط هر ماه، و نیز ایام البیض است، و سپس دوشنبه و پنجشنبه؛ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسته به درجات برتری به این روزه‌ها اهتمام داشتند.

از روایتی که طی آن امیرالمؤمنین علیه السلام چگونگی روزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را توصیف و گزارش کرده است، بر می‌آید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میزان و کمیت روزهایی که

۱. عن زرارة قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: «بم جرت السنة من الصوم؟ فقال: ثلاثة ايام من كل شهر: الخميس في العشر الاول، والاربعاء في العشر الاوسط، والخميس في العشر الآخر. قال: قلت: هذا جميع جرت به السنة في الصوم؟ فقال: نعم (محمد بن علی ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۴).  
۲. بنا به گفته صدوق، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزه پنجشنبه اول و آخر و نیز چهارشنبه وسط هر ماه را جایگزین روزه ایام البیض در هر ماه کرد.

۳. عن ابی بصیر قال: سألت ابا عبدالله علیه السلام عن صوم السنة فقال: صيام ثلاثة ايام من كل شهر، الخميس و الاربعاء و الخميس یذهبن ببلابل القلب و وحر الصدر الخميس و الاربعاء و الخميس، و ان شاء الاثنین و الاربعاء و الخميس، و ان صام فی كل عشرة ايام یوما فان ذلك ثلاثون حسنة. و ان أحب ان یزید علی ذلك فلیزید (محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۰۳).

۴. عن الحر بن الصباح، قال: سمعت ابن عمر یقول: كان النبی صلی الله علیه و آله یصوم ثلاثة ايام من كل شهر، الخميس من اول الشهر و الاثنین الذی یلیه و الاثنین الذی یلیه (مسند احمد، ج ۲، ص ۹۰ - ۹۱).

۵. عن ام سلمة، قالت: «كان رسول الله صلی الله علیه و آله یصوم من كل شهر ثلاثة ايام، الاثنین و الخميس من هذه الجمعة و الاثنین من المقبلة» (احمد بن شعيب نسائی، سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۴۲).

۶. عن عبدالله بن مسعود، قال: «كان رسول الله صلی الله علیه و آله یصوم ثلاثة ايام من غرة كل شهر و قل ما یفطر یوم الجمعة» (همان).



روزه دار بود، شیوه یکسانی نداشته است. بنا بر این روایت، روش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ابتدا آن بود که به طور دایم، تمام روزها را روزه بود. سپس - همچون حضرت داود (علیه السلام) - یک روز در میان روزه می گرفت. سپس روزهای دوشنبه و پنجشنبه را روزه می گرفت و در نهایت به سه روز روزه در ایام البیض (۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه قمری) تا آخر عمر بسنده کرد.<sup>۱</sup> محتمل ترین وجه برای این تغییر روش آن است که چون پیامبر اسوه مردم اند، مسلمانان در تأسی و پیروی از ایشان تنها با رفتارهای دشوار مواجه نباشند.

آنچه گفته آمد درباره ایام و زمان های عادی بود، اما گاه برخی ویژگی های زمانی اقتضا می کرد که آن حضرت به عبادت در ایامی خاص عنایت ویژه ای داشته باشد. برای مثال، ماه شعبان - به لحاظ جنبه مقدمی اش برای ماه رمضان - در شب زنده داری<sup>۲</sup> و روزه مورد عنایت ویژه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بود؛<sup>۳</sup> به گونه ای که بنا بر پاره ای روایات، آن حضرت اکثر<sup>۴</sup> و گاه تمام<sup>۵</sup> این ماه را روزه دار بود؛<sup>۶</sup> و خود درباره علت اهتمام به

۱. عن جعفر بن محمد (علیه السلام)، عن ابیه (علیه السلام): أن علیاً امیر المؤمنین (علیه السلام) کان یبعت صیام رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال: صام رسول الله (صلی الله علیه و آله) الدهر کله ما شاء الله، ثم ترک ذلک وصام صیام أخیه داود (علیه السلام)، یوماً لله و یوماً له. ثم ترک ذلک فصام الاثینین والخمیس ماشاء الله. ثم ترک ذلک و صام البیض، ثلاثة ایام من کل شهر، فلم یزل ذلک صیامه حتی قبضه الله الیه (عبدالله بن جعفر حمیری بغدادی، قرب الاسناد، ص ۸۹ - ۹۰).

۲. در دعای رسیده از امام سجاده (علیه السلام) به هنگام زوال روزهای ماه شعبان می خوانیم: ... الذی کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) یدأب فی صیامه و قیامه فی لیالیه و ایامه... (محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعجل، ص ۸۲۹).

۳. قال الباقر (علیه السلام): ان صوم شعبان صوم النبیین وصوم اتباع النبیین فمن صام شعبان فقد أدرکته دعوة رسول الله (صلی الله علیه و آله) لقوله (صلی الله علیه و آله): رحم الله من اعاننی علی شهری (محمد بن محمد مفید، المقنعة، ص ۳۷۳)... عن فضیل بن یسار قال: «سمعت ابا عبد الله (علیه السلام) یقول لبعض اصحاب قیس الماصر: ... و سن رسول الله (صلی الله علیه و آله) صوم شعبان وثلاث ایام فی کل شهر...» (الکافی، ج ۱، ص ۲۶۶، ح ۴)؛ ... عن الحلبي قال: «سألت ابا عبد الله (علیه السلام): هل صام أحد من أبائک شعبان قط؟ قال: صامه خیر آباءی رسول الله (صلی الله علیه و آله)» (الکافی، ج ۴، ص ۹۱، ح ۶).

۴. عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله (علیه السلام): ان رسول الله (صلی الله علیه و آله) کان یكثر الصوم فی شعبان یقول: ان اهل الکتاب تنحسوا به، فخالقوهم (احمد بن محمد بن عیسی اشعری، النوادر، ص ۱۹). عن سلیمان المرزوی عن الرضا علی بن موسی (علیه السلام) انه قال: کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) یكثر الصیام فی شعبان، ولقد کان نسانه اذا کان علیهم صوم أخرته الی شعبان مخافة أن یمنعن رسول الله (صلی الله علیه و آله) حاجته... (محمد بن علی ابن بابویه قمی، فضائل الاشهر الثلاثة، ص ۵۵).

۵. عن ام سلمة عن ابي سلمة: «ان النبی (صلی الله علیه و آله) لم یکن یصوم من السنة شهرا تاما الا شعبان یصل به رمضان» (ثواب الاعمال، ص ۶۱)؛ ... عن ابي سلمة ان عائشة... حدثته قالت: «لم یکن النبی (صلی الله علیه و آله) یصوم شهراً اکثر من شعبان فانه کان یصوم شعبان کله...» (صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۴۴).

عبادت در این ماه می فرمود: زیرا مردم غالباً به خاطر توجه به رجب و رمضان از ماه شعبان که بین آن دو است، غافل اند.<sup>۱</sup>

نخستین چیزی که پیامبر اکرم ﷺ همواره روزه خود را با آن افطار می کرد در فصل رطب، خرما می تازه، و در غیر آن فصل خرما می خشک (تمر) بود.<sup>۲</sup>

روزه آن حضرت، روزه ای بود با رعایت تمام شرایط یک روزه دار واقعی، و بنابراین اعضا و جوارح آن حضرت نیز روزه بودند.<sup>۳</sup>

### ۳-۵. اعتکاف

از دیگر جلوه های زیبای عبادت خداوند اعتکاف است که زمینه ساز خوبی برای توجه و حضور دل و تمرین خلوت گزینی با معبود و جدایی از مظاهر مادی و دنیوی است. پیامبر اکرم ﷺ در کنار دیگر عبادات، به اعتکاف نیز توجه خاصی داشتند. آن حضرت برای انجام این مهم، بهترین زمان ها را بر می گزیدند و همواره بر این سنت تأکید داشتند. پیامبر اکرم ﷺ بر اعتکاف در ماه رمضان - به ویژه دهه آخر آن - اهتمام می ورزید و آن را برابر با دو حج و دو عمره

### مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۶. چنان که ملاحظه شد روایاتی از روزه دار بودن حضرت در بخشی از شعبان حکایت دارند و روایاتی نیز حاکی از روزه داری حضرت در تمام شعبان اند. از این روی، می توان گفت تفاوت عملکرد حضرت ممکن است برای تسهیل امر بر مسلمانان و دفع توهم و جوب روزه در تمامی شعبان باشد؛ چنان که سال ها بعد، فرقه خطاییه از سر کز فکری به وجوب روزه این ماه همچون روزه ماه رمضان معتقد شدند، و تکذیب روزه دار بودن پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در این ماه در بعضی روایات به علت وجود دیدگاه خطاییه بوده است. در این باره، رک: الکافی، ج ۴، ص ۹۱، ح ۶.

۱. عن ابی سعید المقری قال حدثنا اسامة بن زید قال: «کان رسول الله ﷺ یصوم الايام حتی یقال لا یفطر، و یفطر حتی یقال لا یصوم. قلت: رأیته یصوم من شهر ما لا یصوم من شیء من الشهور؟ قال: نعم، قلت: ای الشهور؟ قال: شعبان هو شهر یغفل الناس عنه بین رجب و رمضان، و هو شهر ترفع فیہ الاعمال الی رب العالمین فاحب أن یرفع عملی و انا صائم (محمد بن علی ابن بابویه قمی، ثواب الاعمال، ص ۶۱) ... عن انس قال: سئل رسول الله ﷺ ای الصیام أفضل؟ قال: شعبان تعظیماً لرمضان (همان).

۲. عن ابن القداح عن ابی عبد الله علیه السلام قال: کان رسول الله ﷺ اول ما یفطر علیه فی زمن الرطب الرطب، و فی زمن التمر التمر (احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۱؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۵۳).

۳. عن اسحاق بن عمار عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: ان الله تبارک و تعالی کره لی ست خصال و کرهتھن للأوصیاء من ولدی و أتباعهم من بعدی. العبث فی الصلاة، و الرقت فی الصوم، و المن بعد الصدقة و اتیان المساجد جنباً و التطلع فی الدور و الضحک بین القبور (محمد بن علی ابن بابویه قمی، النخصال، ص ۳۲۷).

می دانست.<sup>۱</sup> بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، آن حضرت ابتدا دهه اول ماه رمضان، سپس دهه دوم و در نهایت دهه سوم این ماه را برای انجام اعتکاف برگزیدند، و پس از آن تا آخر عمر، بر اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان مداومت داشت.<sup>۲</sup>

نیز از آن حضرت نقل شده است که چون دهه آخر ماه رمضان فرا می رسد پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم رختخواب خویش را جمع می کرد و خود را کاملاً مهیای عبادت می ساخت و در زیر سایبانی که برای ایشان فراهم می شد مشغول عبادت می گشت.<sup>۳</sup>

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم شب اول از دهه آخر رمضان در میان مردم برخاست و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود: «ای مردم، خداوند [در این ماه] شما را در برابر دشمنانتان از جن و انس کفایت کرده و به شما وعده اجابت داده و فرموده است: مرا بخوانید تا اجابتتان کنم. همانا آگاه باشید که خداوند بر هر شیطان سرکشی تا پایان این ماه هفت ملک را مسلط ساخته است. همانا درهای آسمان از ابتدا تا انتهای شب گشوده و دعا در آن پذیرفته است. پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم پس از این سخنان آماده اعتکاف شد و خانه را ترک کرد و تمام دهه آخر رمضان را معتکف بود و تمام شب ها را بیدار می ماند، و هر شب بین نماز مغرب و عشا غسل می کرد».<sup>۴</sup>

۱. فی روایة السکونی باسناده عن الصادق علیه السلام قال: قال رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: اعتکاف عشر فی شهر رمضان يعدل حجّین و عمرتین (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸؛ احمد بن محمد اشعری، النوادر، ص ۲۰۸ - ۲۰۹). و روینا عن جعفر بن محمد علیه السلام، عن ابيه عن ابيه، ان رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم قال: اعتکاف العشر الاواخر من شهر رمضان يعدل حجّین و عمرتین (نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۶).

۲. عن ابي العباس عن ابي عبد الله علیه السلام قال: اعتکف رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فی شهر رمضان فی العشر الاول ثم اعتکف الثانية فی العشر الوسطی ثم اعتکف فی الثالثة فی العشر الاواخر ثم لم یزل یعتکف فی العشر الاواخر (الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵).

۳. عن الحلبي عن ابي عبد الله علیه السلام قال: كان رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم اذا كان العشر الاواخر اعتکف فی المسجد و ضربت له قبة مشعر و شتر المئزر و طوی فراشه، و قال بعضهم: و اعتزل النساء؟ فقال ابو عبد الله علیه السلام: اما اعتزال النساء فلا (المراد به الاعتزال بالكلية، بحيث یمنع عن الخدمة و المكالمة و الجلوس معه) (الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵).

۴. و روینا عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابيه عن ابيه: ان رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم قام اول ليلة من العشر الاواخر من شهر رمضان. فحمد الله و اثنى عليه ثم قال: ايها الناس، قد كفاكم الله عدوكم من الجن و الانس و وعدكم الاجابة،

### ۳-۶. حج

حج نیز جلوه‌ای دیگر از سیره عبادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. ایشان چه در دوران پیش از بعثت و چه پس از آن، همواره بر انجام و احیای حج ابراهیمی اهتمام داشت. گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارند که حضرت حتی در دوران پیش از بعثت نیز افراد را از آلوده ساختن این سنت توحیدی به مظاهر شرک، نهی می‌کرد. برای مثال، زید بن حارثه می‌گوید پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که در حال طواف خواستم دو بت [إساف و نائلة] را مس کنم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا از این کار نهی فرمود.<sup>۱</sup> پس از بعثت نیز در ایام حج، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام این مناسک و حضور در مواقع را فرصتی مناسب برای دعوت می‌دانست. همچنین پس از هجرت به مدینه، در سال ششم، آن حضرت پس از رؤیایی صادق و امر الهی<sup>۲</sup> عازم عمره شد که مشرکان مانع ورود ایشان به مکه شدند و بدین جهت در سال هفتم - طبق پیمان حدیبیه - عازم مکه شد و «عمرة القضاء» به جای آورد. پس از آن نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو بار دیگر موفق شد به زیارت خانه خدا برود: در سال هشتم با فتح مکه، عمره انجام داد؛ و در سال دهم نیز آخرین حج یعنی حجة الوداع را به جای آورد.

گفتنی است آن حضرت افزون بر اهتمام عملی و تأکید قولی بر انجام حج و عمره، بر زدودن گرد تحریف و رفتارهای شرک آلود از این عبادت مهم فردی و اجتماعی تأکید ویژه‌ای داشت. برای مثال، در سال هفتم و در جریان «عمرة القضاء» هنگامی که برخی مسلمانان به علت وجود دو بت إساف و نائلة بر روی دو کوه صفا و مروه، از انجام سعی سر باز زدند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ابلاغ آیه ۱۵۸ سوره بقره،<sup>۳</sup> بر جدایی ناپذیری این اعمال از سعی

۱. فقال: ادعونی استجب لکم، الا و قد وکل الله بکل شیطان مرید سبعة املاک، فلیس بمحاول حتی ینقضی شهرکم هذا، الا و ابواب السماء مفتحة من اول لیلۃ منه الی آخر لیلۃ. الا والدعاء فیه مقبول، ثم سمر رسول الله صلی الله علیه و آله و شد مئززه من بیته واعتکفهن واحیا اللیل کله، و کان یغتسل کل لیلۃ بین العشاءین (نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۶).

۱. احمد بن شعیب نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۵۵.

۲. لقد صدق الله رسوله الرؤیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنین محلقین رؤوسکم و مقصرین لاتخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحاً قریباً (فتح، ۲۷).

۳. ان الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح علیه ان يطوف بهما....

بین صفا و مروه تأکید ورزید.<sup>۱</sup> همچنین در حجة الوداع، مسلمانان از نزدیک شاهد انجام اعمال صحیح حج از سوی آن حضرت بودند.

### نتیجه

پیامبر اکرم ﷺ برای کسب درجه نبوت، در مرحله اول، نیازمند معرفت بود. معرفت نیز، پیامبر را به عبادت و اظهار بندگی و خضوع در برابر خالق یگانه سوق می داد. از سویی معراج نیز که در چندین مرحله صورت گرفت، برای بالا بردن درجه معرفت و بینش پیامبر گرامی اسلام بوده است.

(۱۰۹)

عنوان و عبادت در سوره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

حرکت رو به کمال معرفتی پیامبر، چنان درجه‌ای از شهود و یقین را برای آن حضرت پدید آورد، که پرده‌های غیب از برابر دیدگان ایشان کنار رفت و حضرت چیزهایی را که دیگران نمی دیدند مشاهده می کرد و از آنها خبر می داد. همین نکته موجب تمایز القافات شیطانی از پیام‌های وحیانی است؛ یعنی دریافت‌های وحیانی در چنان مرتبه والایی از معرفت و آرامش درونی اند که گویا پیامبر گرامی اسلام همه آنها را به چشم خود مشاهده می کرد.

همین معرفت والا به خداوند متعال، جوارح پیامبر اکرم ﷺ را به کار می گرفت و خواب و آسایش را از وی می ربود، و ایشان برای اظهار بندگی و خضوع و خشوع در برابر خداوند، به عباداتی می پرداخت که دیگران طاقت انجام آنها را نداشتند. حضرت رسول ﷺ ساعاتی از شب و روز خود را به این امر اختصاص داده بود، و عبادت‌های ایشان در قالب نماز و یاد الهی، تهجد، نوافل شب، روزه، اعتکاف، حج و عبادت‌های سنگین و طولانی و... تجلی می یافت.

### کتابنامه

۱. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح.
۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۴ق.

۱. ر.ک: الکافی، ج ۴، ص ۲۴۷؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۵۶؛ نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۰؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۹۷؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۵۸؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۴۴.

٣. ابن بابويه قمى (شيخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن على، علل الشرايع، حيدريه، نجف، ١٣٨٦ ق.
٤. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، دار صادر، بيروت.
٥. ابن بابويه قمى (شيخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، نشر جامعه مدرسین، قم، ١٤٥٤ ق.
٦. ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل ابى طالب، تحقيق لجنة من اساتذة النجف الاشرف، مطبعه محمد كاظم حيدرى، نجف، ١٣٧٦ ق.
٧. ابن بابويه قمى (شيخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن على، الخصال، تحقيق على اكبر غفارى، نشر جامعه مدرسین، قم، ١٤٥٣ ق.
٨. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، دار صادر، بيروت، [بى تا].
٩. ابن بابويه قمى (شيخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن على، الامالى، مؤسسة البعثة، قم، ١٤١٧ ق.
١٠. ابن طاووس، رضى الدين سيد على بن موسى، الدرر الواقية، تحقيق و نشر مؤسسة آل البيت، قم، ١٤١٤ ق.
١١. ابن طاووس، سيد رضى الدين على، الاقبال بالاعمال الحسنة فى ما يعمل مرة فى السنة (اقبال الاعمال)، تحقيق جواد قيوى اصفهانى، مكتب الاعلام الاسلامى، قم، ١٤١٤ ق.
١٢. ابن انس، مالك، الموطأ، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٥٦ ق.
١٣. ابن بابويه قمى (شيخ صدوق)، محمد بن على، فضائل الأشهر الثلاثة، تحقيق غلامرضا عرفانيان، ج دوم، دارالمحجة البيضاء، بيروت، ١٤١٢ ق.
١٤. ابن بابويه قمى (شيخ صدوق)، محمد بن على، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، با مقدمة سيد محمد مهدي السيد حسن خراسان، ج دوم، منشورات الشريف الرضى، قم، ١٣٦٨.
١٥. الاشعري القمى، ابو جعفر احمد بن محمد بن عيسى، كتاب النوادر، تحقيق و نشر مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٥٨ ق.
١٦. البخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، دارالفكر، بيروت، ١٤٥١ ق.
١٧. البرقى، احمد بن محمد بن خالد المحاسن، تحقيق سيد جلال الدين الحسينى، دارالكتب الاسلاميه.
١٨. البيهقى، احمد بن الحسين بن على، السنن الكبرى، دارالفكر، بيروت، [بى تا].
١٩. الترمذى، محمد بن عيسى، الشمائل المحمدية صلى الله عليه وآله، تحقيق سيد عباس الجلىمى، مؤسسة الكتب الثقافية، بيروت، ١٤١٢ ق.
٢٠. الترمذى، محمد بن عيسى بن سورة، الجامع الصحيح (سنن ترمذى)، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، دارالفكر، بيروت، ١٤٥٣ ق.
٢١. الحارثى العاملى، بهاء الدين محمد بن الحسين بن عبدالصمد، الحبل المتين، بصيرتى، قم، [بى تا].
٢٢. الحاكم الحسكافى، عبيد الله بن احمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل فى الآيات النازلة فى اهل البيت عليهم السلام، تحقيق محمد باقر محمودى، مجمع احياء الثقافة الاسلاميه، تهران، ١٤١١ ق.
٢٣. الحرّ العاملى، محمد بن الحسن، وسائل الشيعة، تحقيق محمد رازى، اسلاميه، تهران.
٢٤. الحسنى الراوندى، فضل الله بن على، النوادر، تحقيق سعيد رضا على عسكرى، دارالحديث، قم، ١٣٧٧.
٢٥. الحميرى البغدادى، ابوالعباس عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تحقيق و نشر مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، قم، ١٤١٣ ق.
٢٦. الخطيب البغدادى، احمد بن على، تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٧ ق.

۲۷. الدار قطنی، علی بن عمر، العلل الواردة فی الاحادیث النبویة، تحقیق محفوظ الرحمان زین الله السلفی، دار طيبة، ریاض، ۱۴۰۵ق.
۲۸. السجستانی، سلیمان بن الأشعث، سنن ابی داوود، تحقیق سید محمد اللحام، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ق.
۲۹. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۳۰. الصنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقیق حبیب الرحمان الاعظمی، [بی جا، بی نا، بی تا].
۳۱. الطبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، [بی تا].
۳۲. الطبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، تحقیق سیدمحمدباقر خراسان، دارالنعمان، نجف، ۱۳۸۶ق.
۳۳. الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، چ چهارم، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۴. الطوسی، محمدبن الحسن، تهذیب الاحکام، تحقیق سیدحسن خراسان و شیخ محمد آخوندی، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۵.
۳۵. الطوسی، محمدبن الحسن، الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، دارالثقافة للطباعة و النشر و التوزیع، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۶. الطوسی، محمدبن الحسن، الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۳.
۳۷. العاملی، زین الدین علی، رسائل الشهید الثانی، بصیرتی، قم، [بی تا].
۳۸. العاملی، عزالدین شیخ حسین بن عبدالصمد، العقد الحسنی، تصحیح سیدجواد مدرسی یزدی، گلبهار، یزد، [بی تا].
۳۹. القزوی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، بیروت، [بی تا].
۴۰. القزوی، محمد بن یزید بن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، بیروت، [بی تا].
۴۱. القمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، تحقیق سید طیب الموسوی الجزائری، مؤسسة دارالکتب، قم، ۱۴۰۴ق.
۴۲. الموصلی، احمد بن علی، مسند ابی یعلی الموصلی، تحقیق حسین سلیم اسد، دارالمأمون للتراث، بیروت، [بی تا].
۴۳. النسائی، ابو عبدالرحمان احمد بن شعیب، السنن الکبری، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۴۴. النیسابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت.
۴۵. الهندی، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیاتی، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۴۶. بخاری، محمد ابن اسماعیل، شرح صحیح مسلم، النووی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۴۷. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام.
۴۸. حسینی، محمدباقر (میرداماد)، الرواشح السماویة، تحقیق غلامحسین قیصریه‌ها و نعمة الله جلیلی، دارالحديث، قم، ۱۴۲۲ق.
۴۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالفکر، بیروت، [بی تا].
۵۰. سبزواری، ملا هادی، شرح الاسماء الحسنی، بصیرتی، قم، [بی تا].



۵۱. سبزواری، ملا محمدباقر، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم، [بی تا].
۵۲. شرف‌الدین الموسوی، سید عبدالحسین، الفصول المهمة فی تألیف الامة، مؤسسة البعثة، تهران، [بی تا].
۵۳. صفّار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات، تحقیق میرزا حسن کوجه باغی، منشورات الاعلمی، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۵۴. طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر الحسن بن الفضل، مکارم الأخلاق، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۲ ق/ ۱۹۷۲ م.
۵۵. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، مکتبة العلوم الاسلامیة، تهران، [بی تا].
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چ سوم، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ ق.
۵۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار؛ مؤسسه الوفاء، چ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۵۸. مفید، محمد بن محمد، الامالی، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۴ ق.
۵۹. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسة آل البيت لنتحقیق التراث، چ دوم، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۶۰. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، تحقیق سید محمد کلانتر و مقدمه محمدرضا مظفر، دارالنعمان، نجف، [بی تا].
۶۱. یحصبی، قاضی ابی الفضل عیاض، الشفاء، بتعریف حقوق المصطفی صلی الله علیه و آله، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

(۱۱۲)

فهرست منابع و مآخذ (سال سوم، شماره سوم، پائیز ۸۵)

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی